

مقاله

نقاشی های
سهراب سپهری
در آثار رضامافی

کاوه تیموری

اشاره

مقایسه و بررسی تطبیقی آثار هنرمندان تجسمی یکی از روش‌های کارآمد برای ورود به عرصه نقد و تحلیل هنری است. بدیهی است که در گام اول، انتخاب هنرمندانی که آثار آنها امکان مقایسه تطبیقی را در روش کار و اندیشه هنری فراهم کند، شرط اساسی است. زنده‌یاد رضا مافی، (۱۳۶۱-۱۳۲۲) که پیش از این در رشد آموزش هنر در مقاله‌ای به او پرداخته‌ایم، و مرحوم سهراب سپهری (۱۳۵۹-۱۳۰۷) با اینکه در دو حوزه نقاشی خط و نقاشی کار می‌کردند، دارای تشابهاتی در روش کاری و بینش هنری بودند. در این نوشتار نخست به تحلیل فنی خط نستعلیق رضا مافی می‌پردازیم و سپس اشتراکات این دو هنرمند مهم در عرصه نقاشی خط و نقاشی را از نظر روش کار مورد توجه قرار می‌دهیم. این مطالعه به عنوان کاری مقدماتی می‌تواند باب تازه‌ای برای ارائه دیدگاه‌های همکاران فرهنگی در حوزه هنر بگشاید و آنان را برانگیزد که حاصل مطالعات خود را برای چاپ در مجله در اختیار ما قرار دهند.

کلیدواژه‌ها: نقاشی، خط، سهراب سپهری، رضا مافی، نقاشی خط

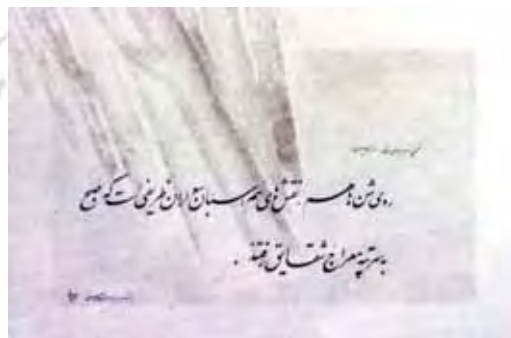
تحلیل فنی

«قاسم احسن» که از رهروان شیوه «میرزا غلامرضا» در دوره معاصر است، در مورد ویژگی فنی خط نستعلیق مافی به نکته مهمی اشاره می‌کند: «مرحوم مافی با توجه به هم‌عصر بودن با کسانی چون پیل آرام و زنده‌رودی به نقاشی خط گرایش پیدا کرد. ضمن آنکه در خط نستعلیق ایشان، بیننده به‌خوبی می‌تواند رنگ و بوی شیوه میرزا غلامرضا را حس کند. ویژگی دیگر وی این است که به اجرای نستعلیق مبالغه شده در اجزا و کلیت آن روی آورده بود و این شیوه از نستعلیق در آثار نقاشی خط او به‌خوبی جواب می‌داد. وی توانست با این کار سازگاری و الفت لازم را برای ساخت کارهای نقاشی خط خود فراهم آورد. لذا به دنبال رعایت جزئیات و اصول کلاسیک یا نقطه‌گذاری‌های استاندارد نبود.»^۱

ارائه می‌دهد. او از خود مافی در ضمن گفت‌وگوهای دوستانه این چنین نقل می‌کند که بخشی از کارهای نستعلیق وی برای گذران زندگی و امور تبلیغاتی بوده و در آنها به‌طور طبیعی مجالی برای ارائه عیار بالا در کارها نیست، اما در بخش مهم‌تر، یعنی کاربرد نستعلیق در نقاشی خط، در کارهای ابداعی او که مبتنی بر حرکت آبی و سریع قلم و بی‌قراری روحی است، مجال نوشتن بر مبنای معیارهای دقیق و پایبندی کامل به اصول و قواعد وجود ندارد. مافی تأکید داشت که برای به‌وجود آوردن ترکیب‌بندی و کمپوزیسیون در بند جزئیات و اندازه‌های کلاسیک نیست و به اجبار از رعایت اصول و مبنای عبور می‌کند و تمام دغدغه‌اش رسیدن به لحظه پایانی کار، یعنی شکل‌آفرینی نهایی است. استاد مشعشعی اشاره می‌کند که مافی برای این ویژگی کارهایش با روح صمیمی‌ای که داشت حتی عذرخواهی می‌کرد؛ زیرا خواستار سریع‌نویسی و دیدار پایانی کار بود.^۲

امیرعاملی (شاعر و خطاط)، که از همراهان و رونندگان طریق رضا مافی در کاروان نوجویانه میرزا غلامرضا اصفهانی است، درباره او می‌گوید:

«رضا مافی طلایه‌داری بود که به ناگاه بر بلندای نخل تنومند نابغه خوشنویسی، یعنی استاد میرزا غلامرضا اصفهانی، جوانه زد و کم‌کم با تماشای هنر جهان ثابت کرد که می‌شود خوشنویسی قاجار را ادامه داد. او نوآوری را سنت خود قرار داد و با ریشه داشتن در اعماق خوشنویسی اصیل، نگاهی تازه را به تماشا گذاشت. او تنفس یک صبح بود و حتی خودش را تکرار نکرد. هر لحظه‌اش با لحظه قبل متفاوت بود. با خلاقیت و تنوع در آثار او رهروانی بالیدند که امروزه کباده نوآوری در دست دارند و در رگ‌رگ آثارشان می‌توانی نگاه و راه مافی را به نظاره بنشین. او در خط «تیمایی» کرد و نوآوری را



اثر مافی، ۱۳۵۹منبع: گزیده آثار مافی و سپهری

«استاد غلامرضا مشعشعی»، از دوستان نزدیک مافی، ضمن اینکه او را انسانی آزاده و جوانمرد معرفی می‌کند، درباره نگرش مافی به کاربرد خط نستعلیق در کارهایش، تحلیل راه‌گشایی

به ظهور رساند. خوشنویسی هنری نیست که بتوان در آن هر دم جلوه‌ای تازه به وجود آورد اما مافی چنین کرد. شاید ظهور مافی در ایامی سنت زده موجب عدم شناسایی تمام ظرفیت‌های او باشد و شاید هنر فرازمانی ویژگی‌اش همین است که فی‌الحال شناخته نشود اما به هر وجه، هیچ نبوغی در پرده کتمان نمی‌ماند. امروزه حرکت‌های تازه در خوشنویسی ریشه در تلاش‌های او دارد که باید قدرش را دانست.^۳

عاملی حسّ شاعرانگی خود را نسبت به هنر مافی در چکامهٔ زیر بیان داشته است:

مافی همان غلامرضای زمانه بود
خطش برای دیدن ساقی بهانه بود

نوآوری که از دل سنت نفس کشید
هر چیز می‌نوشت، زلال ترانه بود

گرچه حضور خویش نمی‌خواست برملا
اما همیشه صحبت او در میانه بود

اینک بیا که دولت او بر دمیده است
این نخل سربلند زمانی جوانه بود

یادش بخیر آن که هنر می‌چکید از او
عیشش مدام، آن که به چنگش چغانه بود

هرگز نمی‌شود که ز یادت برون کنی
آن طایری که در دل دیوانه خانه بود

می‌رفت تا به خدمت کلک و بنان رضا
گویي که سوی میکدهٔ دل روانه بود

زود آن چنان که تیر رها شد ز قید تن
رفت از زمین که مرغ بلند آشیانه بود

عنایت... نوری نظری (نقاش چیره‌دست آبرنگ) از دوستان مرحوم مافی است که از وی خاطرات زیادی دارد. آنچه نوری نظری در مورد مافی بیان می‌کند، نگاه کسی است که ذهن وی دارای چارچوب هنر طراحی و نقاشی است. به دلیل همین ویژگی است که در آینهٔ نگاه او مافی را می‌توان از صافی ذهن یک نقاش عبور داد و وی را بهتر شناخت.

او می‌گوید: «مافی همیشه به خط ناب نستعلیق وفادار بود ولی چون نقاش هم بود، در متن تابلوهایی از اشعار سپهری، درخت‌هایی را نقاشی می‌کرد. مافی انسانی فرزانه، آرام، حساس، و با تکبر بسیار بیگانه بود. «خوشنویسی» نمی‌کرد بلکه «عشق نویسی» می‌کرد. نگاهش به دور بود. او نقاشی و شعر و خط را در کنار هم داشت. همیشه می‌گفت باید به دنبال ترکیب‌های نوین بود و باید به خط حرکتی تازه بخشید. لذا همواره در جهت پیدا کردن ترکیب‌بندی‌های بدیع و نو تلاش می‌کرد. نگاهی به مجموعه آثارش نشان می‌دهد که عملکرد او آمیزه‌ای از فکر و باورهای عمیق و به‌کارگیری آن در هنر معاصر و زمان خویش است. او هیچ‌گاه محتوا را قربانی فرم نمی‌کرد و اعتقاد داشت همیشه باید چندین هزار سال سوابق فرهنگی و هنری را مدنظر داشت. نمی‌شود چیزی را خلق کرد که در نهایت ایرانی نباشد یا هویت نداشته باشد.» او ادامه می‌دهد:

«رضا مافی همواره با تأثیرپذیری از هنرهای سنتی، به‌خصوص شعر کلاسیک و المان‌های رنگ و نور در کاشی‌کاری‌ها و امثالهم، در کارهایش بهره می‌جست و سعی در ارائهٔ ترکیب‌بندی‌های نو و محکم و زیبا می‌کرد.



سیاه‌مشق اثر مافی، متأثر از شیوهٔ میرزا غلامرضا

رضا مافی هنرمندی مهربان و دوستدار یاران بود و به مال دنیا توجهی نداشت. وی عاشق خوش‌نویسی بود، خطش خشک و بی‌روح نبود. خطش شیدایی خاصی داشت. به دنبال نام دوستانش همیشه «جان» بود و پیش‌کسوتان را همیشه احترام می‌کرد.^۴



سیاه‌مشق اثر مافی

«آسان نگاری»، ویژگی بارز قطعه نگاری مافی

نگارنده در جریان انس گیری دمادم با قطعات نستعلیق مافی به ویژگی مهم قطعه نگاری وی در «صفت آسان نگاری» رهنمون شد، و دریافت که مافی به خوبی تکنیک ناب خط نگاری را از سر گذرانده و در خود نهادینه کرده است. «آسان نویسی و آسان نگاری» مافی در اثر کار زیاد و درونی شدن آن جان و جوهره کاری اوست که با تکیه بر آن، می توان رمز پرکاری و راحت نویسی وی را در نگارش غیرمتکلفانه بیشتر درک کرد.



نقاشی خط - رنگ روغن روی بوم، اثر رضا مافی

برخی از نمودهای ظاهری، شکل بندی و آرایش صفحه را می توان در نمونه هایی از آثار او جست و جو کرد.

- دو بخش کردن مصرع ها یا دو مصرع کردن ابیات برای معکوس نگاری آن ها در دوره ای مورد توجه شادروان مافی بوده است.

- حرکت صعودی در قطعه، به طوری که در دوره ای مافی مصرعی را از خط زمینه اصلی در افق صفحه آغاز می کند و به تدریج با اوج گرفتن کلمات و حرکت صعودی آن ها به سمت چپ، شکل بندی قطعه را نهایی می کند.



اثر رضا مافی

توفیق مافی

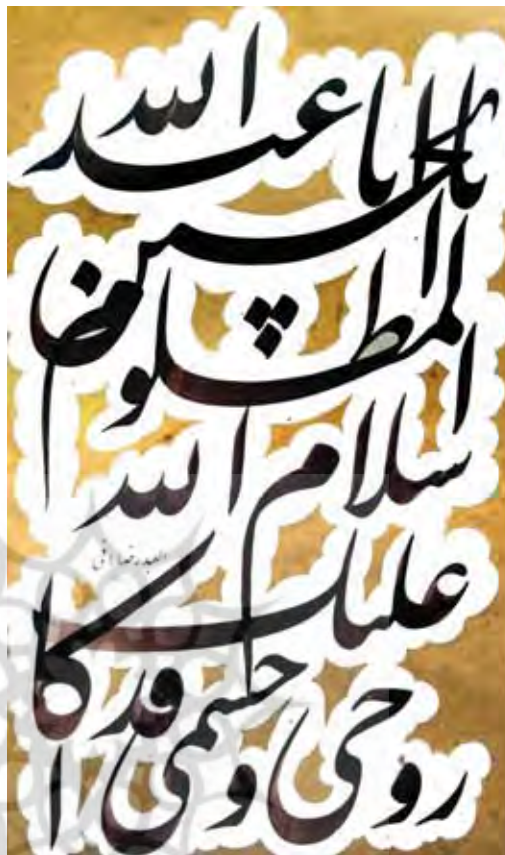
خوشنویس باید این توفیق را داشته باشد که موقع و زمان مناسب هم مددکار هنرش باشد؛ زیرا اشتیاق و علاقه مردم، هنردوستان، هنریان و ایجاد بستر مطلوب است که می تواند زمینه خلق آثار فاخر خوشنویسی را به وجود آورد. به دلیل همین مناسبات، دوره شکوفایی مافی در دهه پنجاه این اقتضات را در خود داشت که هر چه مافی در نمایشگاه هایش عرضه می کرد، به فروش می رسید و خریدار خود را داشت و همه علاقه مند بودند که قطعه ای از او را در مجموعه شخصی و هنری خود داشته باشند. نگارنده در جریان مطالعه و پیگیری آثار مافی دریافت که آثار خط و نقاشی خط آن زنده یاد بیش از هر خوشنویس و هنرمند نقاشی خط کار به مجموعه های خصوصی، موزه ها، گالری ها و از همه مهم تر به منازل افراد علاقه مند راه یافته است. این نکته را می توان در درجه اول به پرکاری مافی و لطف خط او و در مرحله بعد، به هنرپذیری زمانه و اقبال عام و استقبال مردم و صنوف مختلف از کارهای وی نسبت داد. در حقیقت، جمع این نکات توفیق هنرمند در عرصه اجتماعی است.

منحنی هنری مافی

در این قسمت می توان طرحی مقدماتی از منحنی هنری مافی در جدول زیر ترسیم کرد؛ طرح اولیه ای که به تدریج می توان آن را تکمیل کرد.

ورود به کلاس های آزاد خوشنویسی و آموزش جدی مبانی خط	۱۳۴۳
اخذ مرحله ممتاز انجمن، شکل گیری خط تحت تأثیر شیوه استاد سیدحسین میرخانی	۱۳۴۶
آغاز دوران گذار از شیوه استاد حسین میرخانی و تجربه اندوزی در شیوه میرزا غلامرضا	۱۳۴۷-۱۳۴۸
تثبیت گرایش به شیوه میرزا غلامرضا در قلم نستعلیق مافی و یافتن نگاه انتزاعی	۱۳۵۰
ورود به عرصه نقاشی خط و به کارگیری تکنیک ها و شگردهای گوناگون با موضوع خط	۱۳۵۱
اوج گیری نقاشی خط و تجربه انواع و اقسام روش ها و شیوه ها	دهه پنجاه تا سال ۱۳۶۱

- در فرمی دیگر برای مصرع، بیت یا مضمون علاقه عمودنگاری از بالا به پایین و یا از پایین به بالا انجام می‌شود.



اثر مافی، ۱۳۵۰، حرکت صعودی سطر از بالا به پایین

- در حالت افقی دو مصرع یک بیت با هم در فضایی مستطیل شکل می‌آمیزند.



اثر مافی، مشق در حالت افقی

می‌تواند این ویژگی را به راحتی تجربه کند. باید توجه کرد که توانایی آسان‌نویسی در مافی در سایه ذات هنرمندانه و ممارست مداوم حاصل شده است و در ابتدای کار می‌تواند امری سهل ممتنع باشد. لذا مراد نگارنده تحلیل آثار مافی با پی بردن به این توانایی است نه اینکه ساده‌نویسی می‌تواند امری عمومی برای علاقه‌مندان باشد.

مافی و سپهری

در مجموع، هنر مافی از زمینه اجتماعی و فرهنگی زمانه او متأثر است و بر این اساس، تأثیر او از سهراب سپهری در این زمینه مصداق‌های روشنی دارد.

احساس و اندیشه سپهری که در تابلوها و اشعارش متبلور بود، در شکل‌گیری شخصیت هنری مافی اثر بسزایی داشته است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که شناخت شخصیت سهراب سپهری تا اندازه‌ی درخور توجهی کلید فهم روحیه هنری رضا مافی نیز هست؛ زیرا آن چنان که «کریم امامی» گفته است، «سپهری هنرمندی صادق بود که با حساسیتی بی‌نظیر تغییر و تحولات زمانه را لمس کرد». مافی نیز کسی بود که بعد از انقلاب اسلامی و متأثر از یادمان شهیدا، در خرداد سال ۱۳۵۸ اولین نمایشگاه را در مرکز فرهنگی باغ فردوس برگزار کرد و قصد داشت که عواید حاصل از فروش آثار خود را برای ساختن بنای یادبود شهیدا هزینه کند.

مافی در آفرینش آثار هنری خود دستی سریع و قلمی پرشتاب داشت. حرکت خیره‌کننده قلم نی با پرتاب اختصاصی در روی بوم یکی از شگردهای او بود و هر چه بود، در همان حرکت اول بنیان کار را برای شکل‌آفرینی حروف و کلمات و دنباله‌های آن‌ها می‌گذاشت و خود را سرگرم جزئیات نمی‌کرد. هیئت کلی و اصلی حروف و کلمات برای مافی همان بود که در ضرب اول نگاشته شده بود. از این جهت، مشابهت مرحوم مافی در خط با مرحوم سپهری در طراحی درخور توجه است.

کریم امامی، از همراهان و نزدیکان سپهری، در مورد شیوه طراحی سپهری می‌نویسد: «در طراحی، سپهری سرعت عمل و تیزدستی را می‌پسندید، به منظور رها کردن جزئیات کم‌اهمیت و رسیدن به جوهر اصلی اشیا، و چشم خود را عادت داده بود تنها خطوط اصلی را ببیند.»^۶

این نکته، نزدیکی روحی و افق معنوی سهراب سپهری و رضا مافی را از نظر فکری بهتر نشان می‌دهد. البته مافی در تکنیک پرتاب‌های قلم نی بر روی بوم با نقاشان ژاپنی و شرق دور نیز اشتراک می‌یابد؛ زیرا آن‌ها نیز با حرکات

در تمام این ویژگی‌ها اصل «آسان‌نویسی» پاسخی به ذهن مافی است که ایده‌های فراوان و متنوع بصری دارد. در عین حال، آسان‌نویسی به این مفهوم نیست که هر کسی

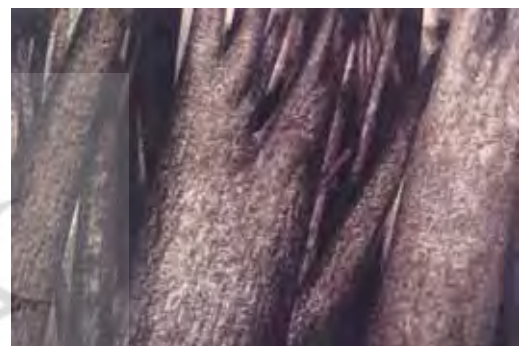


اثر استاد مافی

ویژگی مهم سادگی در کارهای این دو هنرمند نیز موج می‌زند. مافی به خاطر علاقه به سادگی و بی‌آلایشی آثارش به کارهای کلاسیک خود، به جز چند نمونه نادر، هیچ‌گاه لباس تذهیب به آثارش نپوشاند و این نکته جداکننده آثار مافی از کار خوشنویسان هم عصر او و حتی امروزین به‌شمار می‌آید. پس زمینه‌های رنگی و حرکت دادن رنگابه‌های رقیق، سطح اصلی کارهای او را شکل می‌دهد و کلمات در نهایت عربانی و سادگی خودنمایی می‌کنند. از اسلیمی و ختایی و لچک خبری نیست، تا از این طریق فضاهای مابین سطر پوشیده شوند یا گوشه‌های قطعه در رقص رنگین آن‌ها صورت‌ترمیم یابد. البته این به آن خاطر است که اصولاً قطعه‌های مافی رابطه‌ای از جنس الفت با تذهیب برقرار نمی‌کردند. او دوست داشت قطعاتی آزاد و رها بیافریند که در بند تذهیب و جدول و اسلیمی‌ها ننگند. به قول سهراب مانند «جویباری زمزمه‌گر» و از خلال همین قطعات است که می‌توان به تماشای خطوط پخته و رسیده‌تر مافی نشست و از این رهایی لذت برد. بی‌دلیل نیست که زیباترین آثار کلاسیک مافی را که نقطه اوج هنر خوشنویسی او به‌شمار می‌آیند، در تابلوهایی با پس‌زمینه طرح‌ها و نقاشی‌های ملهم از آثار سپهری می‌توان دید. هم او که مافی دل‌بستگی تام و تمامی به منش و شخصیتش داشت و افق معنوی و سلوک هنری خود را می‌خواست به وی نزدیک کند.

این دست از آثار مافی قطعاتی قرص و محکم‌اند که از هر نظر می‌توان آن‌ها را کمال هنری مافی در خط نستعلیق ارزیابی کرد. حتی در آثار نقاشی‌خط مافی، به‌رغم حضور رنگ، می‌توان اصالت رنگ قهوه‌ای را در طیف‌های مختلف آن تماشا کرد. به‌نظر می‌رسد این نقطه ممیزه آثار نقاشی‌خط مافی با برخی از آثار نقاشی‌خط روزگار ماست که خالی از سادگی و به تبع، آن، خالی از ایجاد الفت با مخاطبان هستند؛ آثار بعضی اهالی نقاشی‌خط که به‌زور و ضرب رنگ و دادن پیچیدگی‌های نامأنوس به کار خود، نوعی ابهام تعمدی را بر اثر نقاشی‌خط خود غلبه می‌دهند و به نوعی با ردگم کردن، کار را برای نگرنده اثر خود دوریاب و دیرفهم می‌سازند. اینان قبل از آنکه ارزش کار خود را با راز آلودگی آن بالا

سریع قلم‌موی آغشته به رنگ مشکی یا قهوه‌ای حروف را نقش می‌زنند.



نقاشی سهراب سپهری

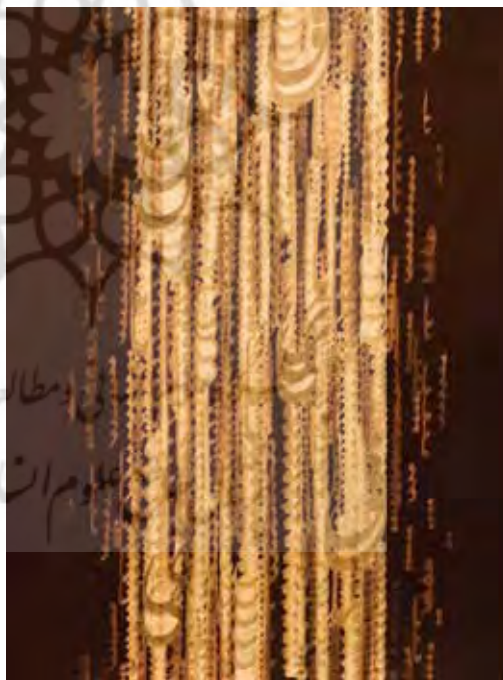
عشق و علاقه به طبیعت ویژگی دیگر این دو بود اما ویژگی بارز آن‌ها این بود که در آفرینش کار هنری با تمام وجود کار می‌کردند. به روایت برادر رضا مافی، او با تمام توانایی کار می‌کرد: «رضا تمام توانایی‌اش را روی کارهایی که انجام می‌داد می‌گذاشت. او یکی از خوشنویسان پرکار و توانمند بود که در جوانی از دنیا رفت... تمام دنیای رضا کارش بود و خودش را سرگرم مسائل دنیایی و مادی نمی‌کرد.»^۷



نقاشی آبرنگ از سهراب سپهری

ببرند، حلقه تماشاگران آثارشان را کوچک می‌کنند.

به نظر می‌رسد ایجاد دشواری، تعقید و پیچیدگی و تودرتو کردن کار اگر بخشی از نقاشی خط باشد، بدون شک سادگی، روانی و برقراری ارتباط با بیننده نیز بخش دیگری از این منظومه به حساب می‌آید؛ ویژگی‌ای که در آثار مافی می‌توان نمونه‌های بارز آن را دید. باید توجه کنیم که در نقاشی خط نباید سرانجام کار به شعبده‌بازی‌های بصری و سرگردان کردن مخاطب در به کار بردن نوع تکنیک ختم شود. به قول سهراب، «غنچه‌ای تا شکفتد، اهل ده با خبرند.» اگر بنا بر یک فرض نسبتاً اثبات شده، نقطه عزیمت نقاشی خط را از خط و خوشنویسی به حساب آوریم، باید قائل بود که اهل خط و خوشنویسی در نگارش، همه و همه از یک حقیقت واحد قلم زده‌اند و اختلاف در میزان همسانی و دگرسانی ناشی از اختلاف درجات و مراتب است. هر کدام از اهل خط در مرتبه‌ای از مراتب کمال بوده و متناسب با آن مرحله، سیمای خط خویش را بروز داده و نشانه‌هایی از نظام خوشنویسانه خود را ارائه کرده است.



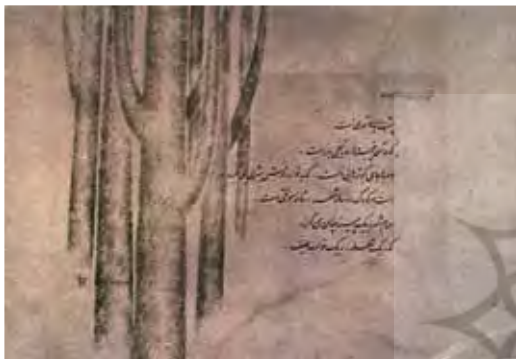
سیاه‌مشق حروف (نقاشی خط)، اثر رضا مافی، ۱۳۵۳ (معرف گالری شمس)

آنان که نقاشی خط را ناآگاهانه تجربه کرده‌اند، نه حق نقاشی را به‌جا آورده و نه درد خوشنویسی را دوا کرده‌اند و اینجاست که خواننده بصیر، مفهوم پافشاری مافی را بر حفظ ساختمان و بنیاد اصیل خط به خوبی می‌تواند دریابد و بلوغ هنری او را در زمانه خودش تحسین کند.

دوستان و اعضای خانواده مافی خاطرات زیادی از

بی‌قراری او پس از درگذشت سهراب سپهری نقل می‌کنند. برادرش می‌گوید:

«مشابهت‌هایی را در شخصیت این دو عزیز می‌دیدم که شاید همان باعث نزدیکی بیشتر آن‌ها می‌شد... رابطه رضا با سهراب به همین شکل بود. آن‌ها خیلی گوشه‌گیرانه و انفرادی با هم برخورد می‌کردند و خیلی کم در یک جمع حاضر می‌شدند؛ به دلیل اینکه به‌خاطر مشترکاتی که با هم داشتند، دوست داشتند انفرادی و گوشه‌گیرانه با هم حرف بزنند. شاید با زبان شعر، حرف‌های همدیگر را می‌فهمیدند. البته آن‌ها با این زبان اغلب با هم حرف می‌زدند. باید بگویم بعد از فوت سهراب دنیای رضا حتی در آثار و خطوطش هم تغییر کرد و زمینه کارش افسرده و غمگین شد. مرگ سهراب به رضا خیلی لطمه زد.»^۸



اثر مافی، با الهام از اشعار سهراب سپهری

آنچه آمد، بدون تردید فقط دیباچه‌ای برای بررسی تطبیقی آثار مافی و سپهری بود و سایر ابعاد این موضوع همچنان قابلیت کندوکاو و بررسی بیشتری دارد. برای عمق بخشی بیشتر به این موضوع، بحث مقایسه تطبیقی آثار مافی را علاوه بر سپهری با بزرگان شاخص هنر



نقاشی خط، اثر فرامرز پیل‌آرام



نقاشی خط، اثر فرامرز پیل آرام



نقاشی خط، اثر استاد محمداحصایی

پی نوشت

۱. گفت‌وگوی نگارنده با استاد قاسم احسنت (۹۱/۵/۲)
۲. گفت‌وگو با استاد غلامرضا مشعشی (۹۱/۶/۱)
۳. گفت‌وگو با استاد امیر عاملی (۹۱/۷/۵)
۴. گفت‌وگو با استاد نظری نوری (۹۱/۷/۷)
۵. کریم امامی، ص ۳۳
۶. ص ۳۸ (از آواز شقایق تا فراترها)
۷. علی مافی، مجله سهراب، ص ۱۴
۸. علی مافی، مجله سهراب، ص ۹، خرداد ۱۳۸۲

منابع

۱. امامی، کریم؛ پیامی در راه، «مقاله آواز شقایق‌ها تا فراترها»، چاپ سوم، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۶۶.
۲. مجله سهراب، شماره سوم، «ویژه‌نامه رضا مافی»، خرداد ۱۳۸۲.
۳. تیموری، کاوه، «بزرگان نقاشی خط ایران»، رشد آموزش هنر، شماره ۲۹، بهار ۱۳۹۱.

مقایسه تطبیقی بزرگان نقاشی خط معاصر و جایگاه استاد شادروان رضا مافی

شاخص‌ها هنرمند	ویژگی آثار نقاشی خط	شاخص	استاد اثر گذار	اقدام در خور توجه	روش کار	اثر شایان توجه
حسین زنده‌رودی	بهره‌گیری از اِلمان‌های خط بدون تعلق به اصل	فرم‌ها و ترکیب‌ها	علائم و نشانه‌های مکتب سقاخانه	پایه‌گذاری نقاشی خط جهلی کردن نقش خط	دفرمه کردن خط و ایجاد ترکیب جدید	تابلوهایی نقاشی خط
فرامرز پیل آرام	به‌کارگیری نماد و نشانه‌های خط	هنر مفهومی	علائم و نشانه‌های مکتب سقاخانه	اثر گذار بر نسل بعد به عنوان پیشاهنگ	کاربرد نشانه‌های خط (هنر مفهومی)	انجام دادن تابلوهایی بزرگ
محمد احصایی	وفاداری به استخوان‌بندی خط	گره‌ها الله‌ها	میرحسین، میرعماد، میرزا غلامرضا	وارد کردن نقاشی خط به محیط دانشگاهی	بداهه در هنر (الله‌ها)	تابلوهایی معروف به «گره‌ها» القیای ازلی
رضا مافی	وفاداری به استخوان‌بندی، خط قط قلم متوسط مایل به مورّب - مرکز قلم جلی کتیبه	سیاه‌مشق با تنوع زیاد در شیوه نستعلیق	میرزا غلامرضا و خوشنویسی دوره قاجار	احیای میرزا غلامرضا - تثبیت‌گر ایش مهم نقاشی خط و به‌عرصه دراوردن آن - دادن بُعد فرامرزی به خط	احساس آبی و بداهه + کاربرد رنگ قهوه‌ای در طیف‌های متفاوت + مداومت در کار	معرفی میرزا غلامرضا به نسل بعد بر پایه نمایشگاه، تنوع در ترکیب مواد - فرم - حجم، رنگ روغن - آکرلیک، طلا، حروف برجسته
نصرا... افجه‌ای	حرکت خط بر حجم	حرکت از کثرت به وحدت	استاد حسین میرخانی	تثبیت نقاشی خط در کنار سایرین	حرکت از کثرت به وحدت (کاربرد رنگ‌های محدود)	تابلوهایی نقاشی خط
جلیل رسولی	وفاداری به خطوط سنتی، قط قلم متوسط، جامعیت در اقلام (کتابت تا کتیبه)	تلفیق و تنوع	استاد حسن میرخانی میرعماد	گسترش نقاشی خط ایرانی در جهان اسلام	طراحی همراه با محاسبه تنوع رنگ بیشتر	ایجاد آثار دوره‌ای همراه با تازگی